



Causes and Roots of Objective and Subjective Conflicts of Interest between Iran and Turkey in the Caucasus and Central Asia: A Focus on the Republic of Azerbaijan and Turkmenistan

Rasool Habibpour Vaghef ^{*1}, Parviz Ahadi ², Masoud Yousefi Jouybari ³

1- PhD Student, Department of Political Science and International Relations, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Iran

2- Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Bonab Branch, Islamic Azad University, Iran

3- Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Iran

Abstract

Objective: This study aims to identify, classify, and explain the causes and roots of objective and subjective conflicts of interest between the Islamic Republic of Iran and Turkey in the Caucasus and Central Asia regions, with a specific focus on the Republic of Azerbaijan and Turkmenistan.

Methodology: This research is descriptive-analytical in terms of objective and qualitative in terms of approach. The statistical population consisted of experts and specialists in foreign policy and regional affairs; twelve individuals were selected using the snowball sampling method based on the principle of theoretical saturation. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using the thematic analysis method (Braun and Clarke model). The reliability of the conceptual model was confirmed at a valid level by calculating the Kappa index (0.743). Additionally, the Fuzzy Delphi technique was implemented over two rounds to screen, validate, and reach a final consensus regarding the indicators.

Findings: A total of 109 initial codes were extracted from the interview transcripts; following consolidation, these were categorized into secondary codes and 19 main themes. The key components and themes identified include: structural geopolitical rivalry; security and military conflicts; competition over corridors and transit routes; geoeconomic and market-oriented rivalry; energy geopolitics; identity-cultural conflicts; public diplomacy and media representation; institutional rivalry (particularly centering on the Organization of Turkic States); the aftermath of the 2020 Karabakh War; cognitive and perceptual conflicts; and the differing operational styles of the two nations. Results from the Fuzzy Delphi screening confirmed the validity and high priority of all extracted indicators (with crisp scores exceeding 0.7).

Conclusion: The conflict of interests between Iran and Turkey in their shared periphery is multidimensional, structural, and networked in nature, stemming from an overlap of hard factors (trade corridors, energy, borders) and soft variables (identity construction, the war of narratives, and media image-building). The Republic of Azerbaijan serves as the focal point of this rivalry and balancing dynamic. Managing this landscape—and preventing a decline in the country's geopolitical weight—requires Tehran to shift from a conservative, reactive stance toward active institution-building, the modernization of transit infrastructure, and the activation of multilateral and digital diplomacy.

Keywords: Iran-Turkey relations, Caucasus and Central Asia, conflict of interests, Republic of Azerbaijan

Citation:

Habibpour Vaghef, R., Ahadi, P. & Yousefi Jouybari, M. (2026). Causes and Roots of Objective and Subjective Conflicts of Interest between Iran and Turkey in the Caucasus and Central Asia: A Focus on the Republic of Azerbaijan and Turkmenistan. *Journal of Intelligent Marketing Management*, 7(3), 332-358.



علل و ریشه‌های تعارضات عینی و ذهنی منافع ایران و ترکیه در قفقاز و آسیای میانه با

تاکید بر کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکمنستان

رسول حبیب پورواقف^۱، پرویز احدی^{۲*}، مسعود یوسفی جویباری^۳

۱- دانشجو دکتری، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

۲- دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

۳- دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی، طبقه‌بندی و تبیین علل و ریشه‌های تعارضات عینی و ذهنی منافع جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در مناطق قفقاز و آسیای میانه با تأکید بر کشورهای جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکمنستان به انجام رسیده است.

روش‌شناسی: این پژوهش از حیث هدف، توصیفی-تحلیلی و از نظر نوع رویکرد، کیفی است. جامعه آماری شامل خبرگان و صاحب‌نظران سیاست خارجی و مسائل منطقه‌ای بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و بر مبنای اصل اشباع نظری، تعداد ۱۲ نفر انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از روش تحلیل تم (مدل بران و کلارک) کدگذاری و تحلیل شدند. پایایی الگوی مفهومی با محاسبه شاخص کاپا (۰/۷۴۳) در سطح معتبر تأیید گردید. همچنین جهت غربالگری، اعتبارسنجی و دستیابی به اجماع نهایی در خصوص شاخص‌ها، تکنیک دلفی فازی در دو راند پیاده‌سازی شد.

یافته‌ها: از تحلیل متن مصاحبه‌ها، در مجموع ۱۰۹ کد اولیه استخراج گردید که پس از تلفیق، در قالب کدهای ثانویه و ۱۹ تم اصلی دسته‌بندی شدند. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و تم‌های شناسایی شده عبارت‌اند از: رقابت ژئوپلیتیکی ساختاری، تعارضات امنیتی و نظامی، رقابت کربدوری و ترانزیتی، رقابت ژئواکونومیک و بازاریابی، ژئوپلیتیک انرژی، تعارضات هویتی-فرهنگی، دیپلماسی عمومی و بازنمایی رسانه‌ای، رقابت نهادی (به‌ویژه با محوریت سازمان کشورهای ترک)، تحولات پساجنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، تعارضات ذهنی و ادراکی، و سبک کنش متفاوت دو کشور. نتایج غربالگری دلفی فازی نیز اعتبار و اولویت بالای تمامی شاخص‌های مستخرج (با نمره قطعی بالاتر از ۰/۷) را تأیید کرد.

نتیجه‌گیری: تعارضات منافع ایران و ترکیه در حوزه پیرامونی، ماهیتی چندبعدی، ساختاری و شبکه‌ای دارد که ناشی از هم‌پوشانی عوامل سخت (کربدورهای تجاری، انرژی، مرزها) و متغیرهای نرم (هویت‌سازی، جنگ روایات و تصویرسازی رسانه‌ای) است. جمهوری آذربایجان به‌عنوان کانون اصلی رقابت و موازنه‌گری عمل می‌کند. مدیریت این فضا و جلوگیری از کاهش وزن ژئوپلیتیکی کشور نیازمند گذر تهران از رویکرد محافظه‌کارانه و واکنشی به سمت نهادسازی فعال، نوسازی زیرساخت‌های ترانزیتی و فعال‌سازی دیپلماسی چندجانبه و دیجیتال است.

کلیدواژه‌ها: روابط ایران و ترکیه، قفقاز و آسیای میانه، تعارض منافع، جمهوری آذربایجان

استناد:

حبیب پورواقف، رسول، احدی، پرویز و یوسفی جویباری، مسعود. (۱۴۰۵). علل و ریشه‌های تعارضات عینی و ذهنی منافع ایران و ترکیه در قفقاز و آسیای میانه با تأکید بر کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکمنستان. مدیریت بازاریابی هوشمند، ۷(۳)، ۳۳۲-۳۵۸.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۱۹

<https://doi.org/JABM.3.2.15564.3514545.2593215>

نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند، ۱۴۰۵، دوره ۷، شماره ۳، پیاپی ۳۳

ناشر: نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان



مقدمه

با فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ و تجزیه آن به چند منطقه، منطقه آسیای میانه و قفقاز به دلایل مختلف همچون ارتباطی، اقتصادی، انرژی و امنیتی برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای اهمیت فراوانی یافت. این منطقه از نظر ساختار فرهنگی، تمدنی، هویتی و قومیتی بیش از هر منطقه‌ای در جهان با دو کشور ایران و ترکیه شباهت و همگونی دارد، این عامل سبب شده است که این منطقه در سیاست خارجی این دو کشور جایگاه بسیار ویژه‌ای پیدا کند. کشورهای منطقه به دلیل نو پا بودن و نداشتن پیشینه حکومت در گذشته و همچنین سیاست کمونیستی اتحاد شوروی که آن‌ها را دولت‌هایی وابسته و بدون ساختار خاصی نگه داشته بود. امروزه زمینه‌های مناسبی برای نفوذ و تأثیرپذیری از خارج مرزهای خود دارند. هر کدام از دو کشور ایران و ترکیه با تأکید بر مؤلفه‌های خاصی از سیاست خود سعی در نفوذ در این منطقه دارند تا بتوانند متحدان خود را در این منطقه پیدا کنند و به خواسته‌های خود دست یابند. از مهم‌ترین خواسته‌های ایران و ترکیه در سیاست خارجی، تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و صدور ایدئولوژی‌های خاص خود (ایران به دنبال صدور انقلاب اسلامی و ترکیه به دنبال ایدئولوژی پان‌ترکیسم) است که این منطقه بهترین زمینه‌ها را برای این سیاست‌ها دارد (میرفخرایی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۹۰ به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیک در قرن بیستم خلأ ژئوپلیتیکی را در منطقه به وجود آورد. شکل‌گیری پنج دولت جدید در آسیای مرکزی، عرصه‌ها و فرصت‌های تازه‌ای را برای همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان این جمهوری‌ها و سایر کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایجاد کرد. وضعیت پیش آمده دو گروه از کشورها را متوجه خود ساخت: گروه اول کشورهای منطقه همانند ایران، ترکیه، عربستان و گروه دیگر قدرت‌های فرا منطقه‌ای همانند ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا بودند. هر کدام از این کشورها با فعالیت در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تلاش کردند تا از وضعیت موجود به بهترین شکل ممکن در جهت گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه استفاده کنند. در این میان ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت منطقه‌ای، بلافاصله پس از فروپاشی شوروی تلاش‌های خود را جهت گسترش روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با کشورهای منطقه آغاز کردند. ظاهر امر نشان می‌دهد که ایران در ابتدای استقلال این جمهوری‌ها نفوذ بیشتری را در منطقه آسیای میانه داشته است، ولی با گذشت زمان و تقویت حضور ترکیه نقش ایران کم‌رنگ‌تر شده است (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۸). در شکل‌دهی سیاست خارجی ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی اهداف و ملاحظات فرهنگی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی مؤثر و نقش‌آفرینی می‌کند.

آسیای میانه یک منطقه جغرافیایی بسته است، واقع در قلب قاره آسیا، که به منطقه‌ای با جاذبه بین‌المللی با قدرت‌های بزرگی مانند روسیه و چین، و ایالات متحده آمریکا یا برخی از قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران تبدیل شده است. هیچ توافقی در ادبیات ژئوپلیتیکی در مورد تعریف آسیای مرکزی وجود ندارد. به جز این توافق که در قلب آسیا قرار دارد. جفری ویلر^۱، یکی از بزرگ‌ترین متخصصان امور آسیای مرکزی، تعریف جغرافیایی محدودی را تعریف می‌کند. زیرا او آن را به برخی از جمهوری‌های تازه استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی در قلب آسیا، یعنی تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان محدود می‌کند و جمهوری قزاقستان را مستثنا می‌کند. در حالی که دایره المعارف بریتانیکا آسیای میانه را به طور گسترده‌تری تعریف می‌کند، و شامل منطقه‌ای می‌شود که از شرق خط امتداد یافته از جنوب شرقی دریای اورال و دریای خزر تا شمال غربی چین و مغولستان امتداد دارد و به صورت طولی از جنوب سبیری در

^۱ Geoffrey Wheeler

شما تا شمال ایران و افغانستان امتداد دارد (اینچ^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). حوزه قفقاز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود از اهمیت استراتژیک برخوردار است. به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک، منطقه قفقاز نه تنها محور مواصلاتی بین شمال-جنوب و غرب-شرق است، بلکه در همسایگی کشورهای بزرگی چون ایران، ترکیه و روسیه واقع شده است و یکی از محورهای اصلی دسترسی به دریای خزر، دریای سیاه و آسیای مرکزی می‌باشد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶). جایگاه ژئوپلیتیک قفقاز، رقابت‌های ژئوپلیتیک بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه را در پی داشته است. به‌طوری‌که امروزه تحولات اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه قفقاز جنوبی متأثر از روابط منطقه با یکدیگر، رقابت‌های ژئوپلیتیک و رویکردهای متضاد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است که به دنبال کسب نفوذ در منطقه می‌باشند (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶). خلأ قدرت ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دو روند موازی را در منطقه قفقاز موجب گردید، در ابتدا کشورهای منطقه تلاش نمودند تا هویت جدیدی برای خود بازتعریف کنند، از طرف دیگر، رقابت‌های ژئوپلیتیک میان قدرت‌های منطقه‌ای یعنی ایران، روسیه، ترکیه را در کنار تلاش‌های آمریکا و تا حدودی اتحادیه اروپا برای بسط نفوذ شاهد بوده‌ایم. در آن زمان ترکیه با هویت سکولار و دموکراتیک و اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد سعی نمود با حمایت غرب خود را به‌عنوان الگویی برای کشورهای تازه استقلال‌یافته معرفی نماید. با افول گفتمان کمالیستی و ظهور اسلام‌گرایان شاهد تغییرات اساسی در رویکرد سیاست خارجی ترکیه بوده‌ایم. دکترین «حل اختلاف با همسایگان» برآمده از دل گفتمان نو عثمانی‌گری، توسعه روابط با همسایگان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در نظر دارد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶). گرچه ترکیه پیوندهای مستقیم جغرافیایی با آسیای مرکزی ندارد، اما به دلیل میراث ترکی خود، «سرزمین مادری» مردمان آن کشورها است، تا جایی که ترکیه آن منطقه را آسیای مرکزی نمی‌نامد. بلکه برای تأیید هویت فرهنگی خود آن را ترکستان می‌نامد (حمزه اوغلی^۲، ۲۰۲۲).

عوامل زیادی وجود دارد که آسیای مرکزی را برای ترکیه از اهمیت بالایی برخوردار می‌کند. اول از همه، کشورهای آسیای مرکزی یک مانع جغرافیایی بین روسیه و چین هستند، و منطقه‌ای بین چین، ایران و روسیه را اشغال می‌کنند که همه آن‌ها به درجات مختلف کشورهای رقیب ترکیه هستند. همچنین تمامی کشورهای آسیای مرکزی به دریای خزر دسترسی دارند که از نظر نفت و گاز بسیار غنی است و دومین ذخایر نفتی جهان را به خود اختصاص می‌دهد. مساحت بزرگ آسیای مرکزی که نزدیک به ۴ میلیون کیلومتر مربع است، از مجموع همه کشورهای اروپایی بیشتر است. باوجود تعدد زبان‌ها و اقوام در آن منطقه، گروه‌های ترک قوی هستند و دسترسی و نفوذ طبیعی برای ترکیه فراهم می‌کنند (شریف‌زاده^۳، ۲۰۱۹). تحولات ژئوپلیتیکی به آنکارا فرصتی داده است تا سیاست خود را نسبت به منطقه تغییر دهد. این سیاست جدید مورد تأیید و حمایت آمریکا قرار گرفت و ترکیه را عنصری مهم در مقابله با آنچه تهدید ایران در منطقه می‌نامد، می‌داند. پس از خلأ ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نفوذ ترکیه به آسیای مرکزی بر اساس تصویر ترکیه در جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی چیزی است که رژیم‌های جمهوری اسلامی از زمان استقلال خود به دنبال تقلید و باز تولید آن هستند. مؤلفه فرهنگی سنگ بنای استراتژی ترکیه را در روابطش با گروه کشورهای نوظهور آسیای مرکزی تشکیل داده است. وجود دنیای ترکی (یعنی با استفاده از زبان ترکی) از بالکان تا مرزهای غربی چین با جمعیتی بیش از ۱۲۰ میلیون نفر به ترکیه امکان برقراری سریع روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را می‌دهد. و روند نفوذ ترکیه را بدون موانع زیاد تسهیل می‌کند. با این حال، تحولاتی که در

^۱ İNAÇ

^۲ Hamzaoglu

^۳ Sharifzada

منطقه با حضور عوامل بسیاری رخ داد، موانعی بر سر راه سیاست بزرگ ترکیه بود (چیچک^۱، ۲۰۱۹). از بارزترین این عوامل می‌توان به وخامت اوضاع اقتصادی منطقه و همچنین تضعیف پیوند فرهنگی در نتیجه سیاست‌های دوران تزار و شوروی که هویت فرهنگی مردم منطقه را تحت تأثیر قرارداد، اشاره کرد. این امر ترکیه را وادار کرد تا سیاست جدید و واقع‌بینانه‌تری را در قبال منطقه و توانایی‌های خود دولت ترکیه اتخاذ کند. این واقع‌گرایی در تمرکز بر ملاحظات اقتصادی و انرژی تجلی یافت و به کانون اصلی سیاست ترکیه در قبال منطقه - دریای خزر و آسیای مرکزی - تبدیل شد که به نوبه خود از حمایت آمریکا برای ساخت خطوط لوله برای انتقال نفت و گاز از آسیای مرکزی به آسیای مرکزی برخوردار شد. بندر جیهان ترکیه از طریق خط لوله گاز باکو - جیهان به طول ۱۷۰۰ کیلومتر باکو - تفلیس - ارز روم به منظور جلوگیری از عبور آن از خاک روسیه یا ایران در آنچه به عنوان "جنگ لوله" شناخته می‌شود. از نظر همکاری اقتصادی، ترکیه آژانس همکاری‌های فنی و اقتصادی ترکیه را در سال ۱۹۹۲ تأسیس کرد که با ارائه کمک‌های مالی و توسعه بخش بانکی و خدمات مالی، کمک به فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در آسیای مرکزی به آن سپرده شد (اینچ، ۲۰۲۲). بخش خصوصی ترکیه نیز نقش برجسته‌ای در ساخت وسازهای اقتصادی، صنعتی و تجاری در جمهوری‌های مستقل داشت. از نظر همکاری فرهنگی و عملی، ترکیه بدنه‌های علمی را از دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها ساخته و هزاران بورسیه دانشجویی را به دانشجویان کشورهای آسیای میانه ارائه کرده است. با وجود این، استراتژی ترکیه در آسیای مرکزی با موانع زیادی روبرو است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: رقابت شدید اقتصادی از سوی پیشرفته‌ترین قدرت‌های اقتصادی مانند کشورهای اتحادیه اروپا، چین، روسیه و ایالات متحده آمریکا، ضعف اقتصاد ترکیه و فقدان توان مالی ترکیه در مواجهه با مشکلات اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی و تضاد منافع ترکیه با بازیگران منطقه‌ای در منطقه به ویژه روسیه و ایران است (شریف‌زاده، ۲۰۱۹).

ترکیه که در دوره‌های گذشته پیوستن به اتحادیه اروپا را به عنوان برنامه رسمی خود همواره مدنظر داشت با فروپاشی شوروی و سوسه آرمان‌های پان ترکی بر سیاست خارجی‌اش سایه افکند. این امر باعث شد ترکیه برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی خود را برای نزدیکی بیشتر کشورهای تازه استقلال یافته در پیش بگیرد. در این راستا آنکارا برنامه‌های خود را برای ایفای نقش بیشتر در منطقه با بهره‌برداری از روابط مشترک قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی با کشورهای آسیای مرکزی طرح‌ریزی کرد (شمس دولت آبادی و همکاران، ۱۴۰۰). اهمیت استراتژیک منطقه آسیای میانه ناشی از این است که برای بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای (ترکیه، ایران، روسیه) و بین‌المللی (ایالات متحده آمریکا، چین، اتحادیه اروپا)، جایگاهی راهبردی دارد. رقابت از الگوی مثبتی که از روابط بین‌الملل و تحکیم نفوذ حمایت می‌کند به الگوی منفی تبدیل شده است که تلاش می‌کند تأثیر همه طرف‌های متخاصم را محدود کند یا طرف‌ها را کنار بگذارد (اینچ، ۲۰۲۲). با توجه به آرزوهای ترکیه برای نفوذ منطقه‌ای در آسیای مرکزی، بر اساس احساس هویت زبانی و قومی مشابه با مردمان ترک در منطقه، قدرت سیاسی و نظامی ترکیه علیرغم سرمایه‌گذاری قدرت اقتصادی خود، تحرکات خود را در به دست آوردن میدان نفوذ سیاسی محدود می‌کند و به این ترتیب این موضوع به راحتی قابل اجرا نیست (حمزه اوغلی، ۲۰۲۲).

ترکیه طی سالیان متمادی با جغرافیای در حال گذار آسیای مرکزی در ارتباط بوده و روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پیچیده‌ای با مناطق همسایه خود داشته است. از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲ آنکارا تلاش کرده است سیاست فعالانه‌ای در قبال مناطق پیرامونی خود اتخاذ کند (آکیورت^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). متناسب با این وضعیت، سیاست آسیای مرکزی ترکیه، در وهله اول،

^۱ Çiçek

^۲ Akyurt

مبتنی بر ترک گرایی یا توران گرایی بود که به صورت غیر منسجم و شتاب زده ای مطرح و اجرا شد. این سیاست ها، انتقادات و اتهام زنی روسیه و ایران را در پی داشت و حتی گفتمان جهان ترک، در این منطقه با شکست مواجه شد، چرا که این کشورها در نخستین سال های پس از استقلال به دنبال تقویت هویت ملی ویژه خود بودند و قرار گرفتن در قالب جدیدی با ساختار هویتی فراملی، برای آن ها جذابیتی نداشت. به موازات آن، ترکیه نیز در سال های بعدی، این سیاست خود را تغییر داد و بیشتر به سمت همکاری های اقتصادی متمایل شد (فیدان^۱ و همکاران، ۲۰۱۸)، چرا که جمهوری های تازه تأسیس از بابت هر نوع تسلط فرهنگی - دینی ترکیه به عنوان برادر بزرگ تر بر امور خود به شدت نگران بودند و به همین دلیل رابطه ای محدودتر و در سطحی برابرتر را ترجیح می دادند و علاوه بر آن نیز کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی تمایلی نداشتند سلطه روسیه را با ترکیه جایگزین کنند. در عین حال تلاش کردند که سیاست خارجی متوازی را به اجرا درآورند تا استقلال خود را تضمین کنند و در عین حال صادرات نفت و گاز خود را از طریق ترکیه افزایش دهند. این موارد سبب تغییر جهت در سیاست خارجی ترکیه از نگرش پان ترکسیم به نگرش اقتصادی شد (فیدان و همکاران، ۲۰۱۸)، بررسی روابط جمهوری آذربایجان با ترکیه نشان داد که این کشور زمینه ساز کاهش روابط ایران با جمهوری های منطقه قفقاز و به ویژه با کشور جمهوری آذربایجان است. رقابت موجود میان قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای وضعیت بازی با حاصل جمع صفر را برای ایران در رابطه با جمهوری آذربایجان به ارمغان آورده است. نفوذ ترکیه به دلیل همسویی هویت جمهوری آذربایجان با این کشور از یک سو و هویت متعارض ایران با ترکیه (هویت سازی رقیب از یکدیگر) از سوی دیگر از دلایل کاهش روابط ایران با جمهوری آذربایجان است. در صورت به کارگیری ابتکارهای اعتماد زا از راه کد و دی کدهای مثبت میان ایران و کشورهای فرا منطقه ای اثر گذار بر تحولات قفقاز و شکل گیری هویت های هم سو میان آن ها، زمینه برای گسترش روابط ایران با کشورهای قفقاز جنوبی مانند جمهوری آذربایجان فراهم می شود؛ ولی با توجه به هویت متضاد ایران با این کشورهای فرا منطقه ای و به کار نرفتن ابتکارهای اعتماد زا میان آن ها، به نظر نمی رسد در سال های آتی تحولاتی مهم در روابط ایران با کشورهای جمهوری آذربایجان روی دهد. در نتیجه به نظر می رسد که نگرش امنیتی ایران و جمهوری آذربایجان تداوم یابد (سلطانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵). کشورهای قفقاز جنوبی (آذربایجان، ارمنستان، گرجستان)، که موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی دارند، بر امنیت ملی و منافع ایران بسیار تأثیر گذارند. بنابراین اهمیت سیاسی، امنیتی و اقتصادی قفقاز برای ایران از یک سو و نقش توسعه همکاری های همه جانبه با کشورهای قفقاز جنوبی از سوی دیگر ضرورت ایفای نقش فعال ایران در منطقه قفقاز را به خوبی روشن می سازد. توسعه نیافتگی این کشورها می تواند آثار زیانباری برای امنیت و اقتصاد ایران داشته باشد. موفقیت در برقراری روابط اقتصادی دوجانبه و منطقه ای با کشورهای قفقاز جنوبی، علاوه بر جلوگیری از انزوای ایران، مانع از شکل گیری دسته بندی های متخاصم در همسایگی ایران می شود. نفوذ اقتصادی ایران در این منطقه سبب احیای موقعیت جغرافیایی - اقتصادی ایران به عنوان گذرگاه شمال - جنوب و شرق - غرب برای اتصال اروپا، خاورمیانه، آسیای غربی و شرقی به یکدیگر می شود (ولی الهی رودباری، ۱۳۹۸). جمهوری آذربایجان از جمله کشورهای مهم منطقه قفقاز جنوبی است که به واسطه دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیک تعیین کننده در حوزه انرژی، به ویژه پس از فروپاشی شوروی، محمل رقابت قدرت های بزرگ منطقه ای و فرا منطقه ای بوده است. این رقابت در حوزه های مختلف قدرت سخت و نرم رایج بوده است. ایران و ترکیه از جمله کشورهایی هستند که به واسطه پیشینه تمدنی و فرهنگی و نیز رقابت منطقه ای، در عرصه سیاسی و اقتصادی این کشور حضور دارند (نوریان و گودرزی، ۱۴۰۰).

^۱ Fidan

آذربایجان به دلیل هم‌جواری با ایران به‌عنوان منطقه هم‌مرز با تاریخ مشترک گذشته خود که مدت‌ها نیز جزئی از سرزمین و قلمرو حاکمیت دولت ایران محسوب شده، اهمیت دوباره پیدا کرده است. از دیدگاه ایران روابط دوستانه با آذربایجان به سبب دلایل متنوع استراتژیک، اقتصادی، قومی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. اما روابط ایران آذربایجان از بدو تأسیس این کشور با فراز و نشیب‌های فراوانی روبرو بوده که چشم‌انداز یک روابط سراسر دوستانه و پرسود بین دو طرف را از بین برده است (پوراحمدی میبدی و همکاران، ۱۳۹۹). در کنار جایگاه غیرقابل‌انکاری که جمهوری اسلامی ایران در عرصه فرهنگی و تمدنی در آذربایجان داشته و دارد، باید از برجسته‌تر شدن نقش بازیگری به نام ترکیه در سال‌های پس از استقلال آذربایجان در عرصه‌های مختلف به‌ویژه عرصه فرهنگی در این کشور یاد کرد. بر اساس نظریه نظام جهانی والرش‌تاین معمولاً کشورهای شبه پیرامون، قدرت‌هایی منطقه‌ای محسوب می‌شوند که وجود آن‌ها برای ثبات سیاسی نظام جهانی لازم است و این قدرت‌ها به‌واسطه اختیاراتی که قدرت‌های مرکز به آن‌ها واگذار می‌نماید، می‌توانند در سرریز منافع اقتصادی به مرکز کمک بسیاری نمایند. بر همین اساس می‌توان نقش ترکیه را در قفقاز جنوبی به‌طور اعم و در آذربایجان به‌طور اخص تبیین نمود. در اصل بر این اساس می‌توان ترکیه را قدرتی منطقه‌ای در قفقاز دانست که به‌واسطه اختیاراتی که قدرت مرکزی یعنی آمریکا به آن داده و در بسیاری از مسائل دست این کشور را در امور منطقه باز گذاشته، نه تنها توانسته به منافع منطقه‌ای خویش دست یابد بلکه در سرریز منافع در حوزه‌های مختلف به مرکز نیز نقش مؤثری داشته است. در همین راستا سیاست خارجی دولت ترکیه ضمن عدم تأکید بر عناصر صرف ایدئولوژیک و با تکیه عمده بر قدرت نرم، بیشتر دارای بعد منطقه‌ای است و وظیفه ترکیه را تبدیل شدن به کشوری مرکزی با حفظ میراث تاریخی و ژئوپلیتیک خود می‌داند (بصیری و همکاران، ۱۳۹۵).

همچنین ترکمنستان به عنوان یکی از کشورهای مهم استراتژیک منطقه اوراسیا، همچنان روابط خود را با ناتو بهبود می‌بخشد. روابط ترکمنستان که یکی از مهمترین کشورهای اوراسیا است با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در ماه مارس ۱۹۹۲، درست بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی آغاز شد. ترکمنستان نیز مانند دیگر کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق به شورای همکاری آتلانتیک شمالی پیوست. این سازمان بعدها به نام شورای همکاری یورو-آتلانتیک (EAPC) تغییر نام داد. امروزه ترکمنستان همچنان با ناتو در مورد منافع مشترک متقابل در ارتباط است. مقامات ترکمن در دوره‌های مختلفی که توسط ناتو و کشورهای عضو برگزار می‌شود شرکت می‌کنند. ترکمنستان به طور فعال با ناتو در چارچوب برنامه علم برای صلح و امنیت همکاری می‌کند. نتایج حاصل از این برنامه پشتیبان بزرگی برای زیربنای اینترنتی ترکمنستان است. همچنین دانشگاهیان و دانشمندان جوان ترکمن نیز برای توسعه مشارکت‌های پژوهشی خود با جامعه علمی بین‌المللی بیش از پیش در تلاشند. وضعیت رسمی ترکمنستان به عنوان یک کشور بی‌طرف، مانع از همکاری آن با ناتو نمی‌شود. با این حال، در آینده‌ای نزدیک، انتظار نمی‌رود که ترکمنستان سیاست محدود مشارکتی خود را بازنگری کند و روابط خود را با ناتو به صورت وسیعی افزایش دهد. وضعیت بی‌طرفی دائمی به ترکمنستان کمک می‌کند تا روابط متعادل خود را با روسیه، چین و غرب حفظ کند و از عضویت در هر بلوک مشخص منطقه‌ای طفره رود. با این وجود، تلاش‌های این کشور برای ادغام در اقتصاد جهانی و گسترش همکاری و گفتگو با کشورهای همسایه و سازمان‌های بین‌المللی نباید نادیده گرفته شود. در این میان ترکیه که دارای دومین ارتش بزرگ ناتو است به روابط در حال توسعه ترکمنستان با ناتو به گونه‌ای مثبت می‌نگرد و از آن پشتیبانی می‌کند. ملل هر دو کشور همانند ملت ترک آذربایجان از شاخه ترکان اوغوز هستند. لازم است تا در دوره‌های آتی، استراتژی جامع و همکاری عمیقی در روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور تدوین شود. این استراتژی باید به عنوان یک سیاست دولتی در

دو چشم انداز دراز مدت و میان مدت اجرا شود. از سوی دیگر در این خصوص می‌باید هماهنگی‌ها و همکاری‌ها موثر بین سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای دولتی، دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی در زمینه توسعه سیاست‌های اقتصادی منطقه‌ای تضمین شود. منابع سرشار و غنی انرژی، بازارهای مصرف و مناسب برای سرمایه‌گذاری، همراه با بحران‌های هویتی و اجتماعی، بحران‌های ساختاری و سیاسی و همچنین ضعف اقتصادی و ناکارآمدی دولت‌های منطقه، همه و همه عواملی است که باعث جلب توجه دیگر بازیگران عرصه جهانی به این منطقه شد که یکی از پیامدهای آن، در کنار رقابت قدرت‌های فرا منطقه‌ای، فعال شدن قدرت‌های منطقه‌ای برای حضور و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی است که پیش‌ازاین به علت حضور اتحاد شوروی قادر به ایفای نقش اساسی نبودند. در این راستا، ایران و ترکیه به عنوان همسایگان حوزه جنوبی اتحاد شوروی، هم به منظور یافتن جایگاهی در فرصت‌های پیش رو در این منطقه و هم به منظور رفع نیازهای این کشورها در عرصه داخلی و ضرورت‌های سیاست خارجی آنان، هر یک با بهره‌گیری از سیاست‌های خاص عمدتاً بر پایه متغیرهایی چون مشترکات فرهنگی، ملاحظات ژئواکونمیک (اقتصادی) و ژئوپلیتیک به رقابت می‌پردازند. در میان مدعیان نفوذ در منطقه، ترکیه به جهت اشتراک نژادی و پیوند تاریخی که با مسلمانان جمهوری‌های تازه استقلال یافته، و همین‌طور موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه این کشور به عنوان دروازه ورود به اروپا دارای جایگاه ویژه‌ای است. از طرفی ایران نیز به دلیل دوره‌های تاریخی مشترک با منطقه و وجود اقوام فارس زبان، دری و تاجیک و همین‌طور وجود مردم شیعه مذهب، و در کنار این شرایط دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیکی عالی و مسیر عبوری مورد نیاز این کشورها و مخصوصاً آذربایجان دارای جایگاه ویژه‌ای برای حضور در منطقه می‌باشد. متناسب با آنچه عنوان شد سؤال اساسی‌ای رساله این گونه مطرح می‌گردد که:

- علل و ریشه‌های تعارضات عینی و ذهنی منافع ایران و ترکیه در قفقاز و آسیای میانه با تاکید بر کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکمنستان کدامند؟

روش‌شناسی

هدف تحقیق حاضر توصیفی و تحلیلی است. در این پژوهش علل و ریشه‌های تعارضات عینی و ذهنی منافع ایران و ترکیه در قفقاز و آسیای میانه با تاکید بر کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکمنستان تبیین و بررسی شده است. همچنین تحقیق حاضر از نظر نوع روش تحقیق کیفی محسوب می‌گردد. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل خبرگانی بوده است که دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند:

۱. دارای مدرک دکترا در رشته‌های مرتبط و یا تخصص در سیاست خارجی منطقه یا تحلیلگر وضعیت منطقه، ۲. تجربه کافی و آشنا با مسائل قفقاز، ۳. اشراف علمی و تخصصی برای شناسایی موضوع تحقیق. بنابراین با توجه به معیارهای مذکور برای اعضای جامعه آماری، خبرگان برای جمع‌آوری اطلاعات تعیین شده و مورد رجوع قرار گرفتند. بدین صورت که انطباق معیارهای فوق با خبرگان از طریق تشخیص استادان مسلط در حوزه نظری موضوع و همچنین در مواردی به تشخیص پژوهشگر صورت گرفته است. به عبارتی پاسخگویان در مصاحبه افراد فعال در حوزه سیاست خارجی بودند و در زمینه مذکور دارای مطالعات و تحقیقات بوده‌اند. حجم نمونه تا حد اشباع نظری خبرگان و متخصصین انتخاب شدند. اشباع نظری نقطه‌ای در تحقیقات کیفی است که نشان دهنده کفایت داده‌های گردآوری شده جهت تحلیل و ارائه گزارش نهایی است. در یک پژوهش کیفی زمانی نظریه دارای اعتبار است که پژوهشگر به نقطه اشباع رسیده باشد. برای دستیابی به نقطه اشباع باید مطالعه میدانی تا زمانی است که هیچ گواه و مدرک جدیدی از داده‌ها حاصل نشود ادامه پیدا کند. به عبارت دیگر واریسی کامل داده‌ها انجام شده باشد. بر این اساس شناسایی چنین خبرگانی از طریق گلوله برفی صورت گرفت و حجم نمونه با اشباع نظری تعیین گردید. محقق از طریق مصاحبه با این افراد به این نتیجه رسیده است که پاسخ‌ها غالباً به مرز اشتراک رسیده و

نظرات جدید ارائه نمی‌گردد و نهایتاً با ۱۲ نفر مصاحبه را به انجام رسید. در تحقیق حاضر، مصاحبه‌ها بصورت حضوری با یادداشت برداری و تعدادی نیز ضبط شده (با کسب اجازه از مصاحبه شوندگان) انجام گردید. پس از انجام مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران، مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و سپس داده‌های جمع‌آوری شده تجزیه و تحلیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش اول داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل تم مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

ابتدا مصاحبه‌های انجام شده، با دقت بررسی گردید و پس از وارد کردن آنها در جداول، و جدا کردن جملات معنادار آنها در سطریهای مختلف، مفاهیم متنوع مورد استفاده در این تحقیق استخراج شدند. این مفاهیم با توجه به محتوای ظاهری، در دسته‌های مفهومی که در واقع نشان‌گر یک مفهوم مستقل می‌باشند، در ادامه کدگذاری شده است. این دسته‌ها در بخش‌های مختلف این فصل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

الف) آماده‌سازی داده‌ها

پس از تهیه مدل‌های موجود در این حوزه، داده‌های کیفی پژوهش براساس شماره سوال مرتب گردیدند.

ب) کدگذاری

پس از مصاحبه‌ها و تحلیل کیفی آنها، در این مرحله، جهت خلق معنی از جداول بدست آمده، این جداول در یک فایل بصورت یک جدول یکپارچه قرار گرفتند و بعد از منظم کردن آنها بر اساس کد تعیین شده، به جملات مربوط به یک کد، با توجه به مفاهیم آنها و نقاط اشتراکشان، عنوانی تعلق گرفت. در ادامه جداول مربوط به کدگذاری‌ها آورده شده است.

۱) کدگذاری اولیه^۱:

در کدگذاری اولیه همان‌طور که در فصل پیش گفته شد، نخست بر روی واحدهای معنادار داده با استفاده از یک نام مفهومی برجسته زده می‌شود و سپس با استفاده از نام‌هایی انتزاعی‌تر، مفاهیم به دست آمده دسته‌بندی می‌شوند که نام این دسته‌ها را مقوله می‌گویند. در مرحله بعد، با واکاوی داده‌ها ویژگی‌ها و ابعاد مقوله‌های به دست آمده پرورش داده می‌شود. البته این مراحل به صورت خطی نبوده و معمولاً همزمان و با تداخل زیاد صورت می‌گیرد. در این مرحله، محقق با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده، تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در مصاحبه‌ها را بازشناسد. این مرحله از کدگذاری، کدگذاری اولیه نامیده می‌شود، چرا که محقق با ذهنی باز به نام‌گذاری مفاهیم پرداخته و محدودیتی برای تعیین کدها قائل نیست. هدف از کدگذاری اولیه، تجزیه مجموعه داده‌های کیفی گردآوری شده به کوچک-ترین اجزای مفهومی ممکن است. در جداول بعدی، به شرح و بررسی کدگذاری‌های باز پرداخته شده است. در کدگذاری اولیه، کوچکترین واحدهای مفهومی در داده‌های کیفی گردآوری شده از طریق مصاحبه، با رویکرد اکتشافی استخراج می‌شوند.

^۱ Initial Code

جدول ۱. کدگذاری اولیه

ردیف	کد اولیه	مصاحبه	ردیف	کد اولیه	مصاحبه
۱	رقابت برای نفوذ ژئوپلیتیکی	(منابع: ۱، ۵، ۱۲)	۵۶	بهره‌گیری ترکیه از پیمان‌های دوجانبه با آذربایجان	(منابع: ۷، ۱۱)
۲	تلاش برای تثبیت جایگاه منطقه‌ای	(منابع: ۱، ۱۱)	۵۷	نبود یک چارچوب حقوقی جامع و فراگیر در منطقه	(منابع: ۷، ۵)
۳	فعال‌گرایی ترکیه پس از ۲۰۰۰	(منابع: ۱، ۵)	۵۸	نقش کلیدی روسیه در تعیین و تضمین مرزهای حقوقی	(منابع: ۷، ۲)
۴	خلأ قدرت در دوران پساشوروی	(منابع: ۱، ۲)	۵۹	تهدید منافع حقوقی و حاکمیتی ایران در قفقاز	(منابع: ۷، ۹)
۵	تغییر موازنه قوا پس از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ	(منابع: ۱، ۲، ۱۰)	۶۰	تفاوت در تفسیرهای حقوقی از کنوانسیون‌های بین‌المللی	(منابع: ۷، ۱۲)
۶	اهمیت حیاتی ژئوپلیتیکی قفقاز برای ایران	(منابع: ۱، ۵)	۶۱	گسترش نفوذ اجتماعی و مذهبی ترکیه در جوامع محلی	(منابع: ۸، ۴)
۷	شبکه نفوذ سیاسی و امنیتی ترکیه در قفقاز	(منابع: ۱، ۵، ۸)	۶۲	ابزارانگاری قوم‌گرایی توسط سیاست خارجی ترکیه	(منابع: ۸، ۴)
۸	نقش متغیر هویت در رقابت‌های منطقه‌ای	(منابع: ۱، ۴، ۸)	۶۳	ظرفیت‌های تمدنی و تاریخی ایران برای نفوذ نرم	(منابع: ۸، ۴)
۹	نبود یک معماری امنیتی پایدار در منطقه	(منابع: ۱، ۲، ۹)	۶۴	بهره‌برداری سیاسی دولت‌ها از گسل‌های هویتی	(منابع: ۸، ۵)
۱۰	نقش مداخله‌گر بازیگران فرامنطقه‌ای	(منابع: ۱، ۵، ۱۱)	۶۵	انفعال در تعاملات اجتماعی و نخبگانی ایران	(منابع: ۸، ۱۰)
۱۱	تفاوت در سبک و رویکرد دیپلماتیک ایران و ترکیه	(منابع: ۱، ۱۱)	۶۶	رقابت در حوزه حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی بین‌المللی	(منابع: ۹، ۳)
۱۲	رقابت استراتژیک بر سر کریدورهای بین‌المللی	(منابع: ۱، ۳، ۹)	۶۷	شتاب بالای توسعه زیرساخت‌های ارتباطی در ترکیه	(منابع: ۹، ۳)
۱۳	ضرورت اتخاذ دیپلماسی فعال از سوی ایران	(منابع: ۱، ۵، ۱۲)	۶۸	چالش‌های ناشی از فرسودگی ناوگان و شبکه ایران	(منابع: ۹، ۳)
۱۴	حضور نظامی و استقرار پایگاه‌های ترکیه در قفقاز	(منابع: ۲، ۵)	۶۹	تمایل بازیگران غربی به تقویت مسیرهای غیرایرانی	(منابع: ۹، ۶)
۱۵	همکاری‌های گسترده دفاعی-نظامی ترکیه و آذربایجان	(منابع: ۲، ۸)	۷۰	سیطره رسانه‌ای شبکه‌های خبری ترک‌زبان	(منابع: ۱۰، ۸)

ردیف	کد اولیه	مصاحبه	ردیف	کد اولیه	مصاحبه
۱۶	قدرت بازدارندگی پهبادی و تکنولوژیک ترکیه	(منابع: ۲، ۱۰)	۷۱	فعالیت گسترده ترکیه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی	(منابع: ۱۰، ۴)
۱۷	فقدان سازوکارهای امنیت جمعی بومی در منطقه	(منابع: ۲، ۵، ۹)	۷۲	عقب‌ماندگی ایران در دیپلماسی عمومی دیجیتال	(منابع: ۱۰، ۴)
۱۸	حساسیت‌های امنیتی ایران نسبت به تغییر مرزها	(منابع: ۲، ۹)	۷۳	استفاده آذربایجان از ابزار رسانه برای توازن قدرت	(منابع: ۱۰، ۲)
۱۹	نقش روسیه در مدیریت و مهندسی امنیت منطقه	(منابع: ۲، ۷، ۱۲)	۷۴	رقابت بر سر ساخت تصویر ذهنی مثبت منطقه‌ای	(منابع: ۱۰، ۵)
۲۰	سیاست بازدارندگی فعال ترکیه در قبال رقابتی منطقه‌ای	(منابع: ۲، ۱۰)	۷۵	اتخاذ سیاست‌های رسانه‌ای تهاجمی از سوی آنکارا	(منابع: ۱۰، ۵)
۲۱	راهبردهای بلندمدت آنکارا برای تسلط بر حوزه پیرامونی	(منابع: ۲، ۱۲)	۷۶	هشدار نسبت به ریزش نفوذ اجتماعی سنتی ایران	(منابع: ۱۰، ۸)
۲۲	ضرورت شکل‌گیری همکاری‌های امنیتی سه‌جانبه	(منابع: ۲، ۱۱)	۷۷	نقش محوری سازمان کشورهای ترک در همگرایی	(منابع: ۱۱، ۴)
۲۳	اهمیت کریدور میانی در استراتژی ترانزیتی منطقه	(منابع: ۳، ۹، ۱۲)	۷۸	ایجاد نهادهای تخصصی زیرمجموعه توسط ترکیه	(منابع: ۱۱، ۵)
۲۴	پیامدهای ژئوپلیتیکی بازگشایی دالان زنگرور	(منابع: ۳، ۷)	۷۹	غیبت یا انفعال ایران در ترتیبات جدید منطقه‌ای	(منابع: ۱۱، ۵)
۲۵	تلاش برای حذف تدریجی ایران از مسیرهای عبوری	(منابع: ۳، ۹، ۱۲)	۸۰	تأثیر طرح “کمربند و جاده” چین بر معادلات	(منابع: ۱۱، ۱۲)
۲۶	مزیت‌های لجستیکی و نوسازی زیرساختی ترکیه	(منابع: ۳، ۹)	۸۱	تضاد بین رویکرد تهاجمی ترکیه و رویکرد محافظه‌کار ایران	(منابع: ۱۱، ۵)
۲۷	مزیت‌های طبیعی و جغرافیایی ایران در ترانزیت	(منابع: ۳، ۹)	۸۲	رقابت برای نهادهای در فضای پسا شوروی	(منابع: ۱۱، ۵)
۲۸	نقش سرمایه‌گذاری خارجی در وفادارسازی دولت‌های منطقه	(منابع: ۳، ۱۱)	۸۳	نبرد بر سر تعیین پارادایم‌های نظم منطقه‌ای آینده	(منابع: ۱۲، ۱)
۲۹	کاهش سهم و نفوذ اقتصادی ایران در بازارهای هدف	(منابع: ۳، ۱۰)	۸۴	طراحی نقشه‌های ژئوپلیتیکی برای دهه‌های آتی	(منابع: ۱۲، ۹)
۳۰	رقابت فشرده برای تسلط بر بازار آسیای میانه	(منابع: ۳، ۱۱)	۸۵	استفاده ترکیه از سناریوهای آینده‌نگرانه	(منابع: ۱۲، ۵)

ردیف	کد اولیه	مصاحبه	ردیف	کد اولیه	مصاحبه
۳۱	ضرورت فوری تقویت زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای ایران	(منابع: ۳، ۹)	۸۶	ضعف در تولید الگوهای آینده‌نگاری راهبردی در ایران	(منابع: ۱۲، ۱)
۳۲	ترویج و تقویت گفت‌وگو پان‌تورکیسم	(منابع: ۴، ۸)	۸۷	پیامد استراتژیک جنگ اوکراین بر بازآرایی مسیرها	(منابع: ۱۲، ۶)
۳۳	تقابل الگوهای فرهنگی ایران و ترکیه	(منابع: ۴، ۸)	۸۸	انتقال مرکز ثقل قدرت جهانی از غرب به شرق	(منابع: ۱۲، ۱۱)
۳۴	فرآیند هویت‌سازی ملی در کشورهای استقلال‌یافته	(منابع: ۴، ۱۱)	۸۹	رقابت برای کسب نقش هژمونیک در قفقاز آینده	(منابع: ۱۲، ۵)
۳۵	ضعف در ابزارها و خروجی‌های دیپلماسی فرهنگی ایران	(منابع: ۴، ۱۰)	۹۰	ریسک کاهش وزن ژئوپلیتیک ایران در بلندمدت	(منابع: ۱۲، ۳)
۳۶	تأکید ایران بر پیوندها و مشترکات تمدنی	(منابع: ۴، ۸)	۹۱	لزوم تدوین برنامه‌ریزی یکپارچه و کل‌نگر ملی	(منابع: ۱۲، ۱)
۳۷	بازسازی روایت‌های تاریخی با محوریت نئوعثمانی‌گری	(منابع: ۴، ۱۲)	۹۲	ماهیت چندبعدی و درهم‌تنیده رقابت‌ها	(منابع: ۵، ۱)
۳۸	نفوذ نرم از طریق شبکه‌های آموزشی و فرهنگی ترکیه	(منابع: ۴، ۸)	۹۳	دیپلماسی موازنه مثبت توسط دولت آذربایجان	(منابع: ۱۱، ۲)
۳۹	رقابت نمادین بر سر مفاخر و میراث تاریخی مشترک	(منابع: ۴، ۸)	۹۴	رقابت در جذب سرمایه‌های هوشمند و تکنولوژی	(منابع: ۱۱، ۳)
۴۰	لزوم بازطراحی ساختار دیپلماسی فرهنگی ایران	(منابع: ۴، ۱۰)	۹۵	نقش روسیه به‌عنوان عامل تعدیل‌کننده یا مانع	(منابع: ۲، ۷)
۴۱	رقابت برای نفوذ در لایه‌های تصمیم‌ساز پایتخت‌ها	(منابع: ۵، ۱۱)	۹۶	پتانسیل‌های مغفول مانده تاریخی ایران در منطقه	(منابع: ۸، ۴)
۴۲	تضاد در تعریف مفهوم «عمق راهبردی» دو کشور	(منابع: ۵، ۱۲)	۹۷	ضرورت تشکیل ائتلاف‌های جایگزین (مانند هند-ایران-ارمنستان)	(منابع: ۹، ۱۱)
۴۳	شبکه‌سازی دیپلماتیک و لابی‌گری ترکیه	(منابع: ۵، ۱۱)	۹۸	چالش‌های ناشی از فشارهای بین‌المللی و تحریم بر ایران	(منابع: ۶، ۳)
۴۴	ضعف ایران در ایجاد نهادهای منطقه‌ای پایدار	(منابع: ۵، ۱۱)	۹۹	سیاست تهاجمی آنکارا در قبال محیط پیرامونی	(منابع: ۵، ۲)
۴۵	استراتژی دور زدن ایران در پروژه‌های بزرگ انرژی	(منابع: ۶، ۳)	۱۰۰	اهمیت قدرت نرم تمدنی در ماندگاری نفوذ	(منابع: ۸، ۴)

ردیف	کد اولیه	مصاحبه	ردیف	کد اولیه	مصاحبه
۴۶	هدف گذاری ترکیه برای تبدیل شدن به هاب انرژی اروپا	(منابع: ۱۲، ۶)	۱۰۱	تغییرات شگرف در رژیم های امنیتی - حقوقی منطقه	(منابع: ۷، ۲)
۴۷	اهمیت امنیت خطوط لوله انتقال انرژی	(منابع: ۳، ۶)	۱۰۲	فوریت نوسازی سخت افزاری شبکه حمل و نقل	(منابع: ۳، ۹)
۴۸	رقابت برای تأمین انرژی مورد نیاز بازار اروپا	(منابع: ۱۲، ۶)	۱۰۳	افزایش وابستگی ساختاری آذربایجان به ترکیه	(منابع: ۱۱، ۶)
۴۹	موفقیت ترکیه در به کارگیری دیپلماسی انرژی	(منابع: ۳، ۶)	۱۰۴	فقدان ابتکارهای نهادی خلاقانه از سوی تهران	(منابع: ۱۱، ۵)
۵۰	کاهش نقش استراتژیک ایران در صادرات گاز	(منابع: ۳، ۶)	۱۰۵	تبلیغ و صدور مدل توسعه اقتصادی ترکیه به منطقه	(منابع: ۸، ۴)
۵۱	تأثیر منفی تحریم ها بر تعاملات اقتصادی منطقه ای ایران	(منابع: ۳، ۶)	۱۰۶	پیامدهای امنیتی بالقوه ناشی از دالان های جدید	(منابع: ۹، ۲)
۵۲	تضاد منافع در تعیین مسیرهای بهینه انتقال انرژی	(منابع: ۹، ۶)	۱۰۷	نقش مخرب قدرت های فرامنطقه ای در ثبات منطقه	(منابع: ۵، ۱)
۵۳	ضرورت مشارکت ایران در کنسرسیوم های بین المللی انرژی	(منابع: ۱۱، ۶)	۱۰۸	استفاده ابزاری از تعلقات قومی در اهداف سیاسی	(منابع: ۸، ۴)
۵۴	اختلافات حقوقی بر سر رژیم حقوقی مسیرهای ترانزیتی	(منابع: ۹، ۷)	۱۰۹	ضرورت بازگشت ایران به مکانیسم های همکاری چندجانبه	(منابع: ۲، ۱۱)
۵۵	تلاش برای بازتعریف و تغییر ثرم های حقوقی منطقه	(منابع: ۱۲، ۷)			

نتایج حاصل از کد گذاری اولیه داده های کیفی گردآوری شده با استفاده از ابزار مصاحبه، در جدول ۱ به نمایش گذاشته شده است. در این فصل، نتایج تحلیل داده های کیفی بر اساس روش تحلیل تم^۱ بر اساس مدل براون و کلارک (۲۰۰۶) ارائه شده است. داده ها از ۱۳ مصاحبه نیمه ساختاریافته با شرکت کنندگان (اساتید، دانشجویان و معماران) استخراج شده اند. تحلیل شامل استخراج ۱۰۹ کد اولیه از متن رونویسی شده مصاحبه ها است. کدها به صورت باز و مستقیم از متن برداشته شده و برای نشان دادن اشتراکات، برخی کدها به چندین مصاحبه ارجاع داده شده اند (مثلاً ایده های مشترک مانند "بازدید میدانی" در مصاحبه های متعدد).

^۱ Thematic Analysis

(۲) کدگذاری ثانویه^۱

در کدگذاری ثانویه، مقوله‌های جدا از هم در چهارچوبی معنادار در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و روابط میان آن‌ها، به ویژه رابطه مقوله محوری با سایر مقوله‌ها، مشخص می‌شود. کدگذاری ثانویه، منجر به ایجاد گروه‌ها و مقوله‌ها می‌شود. تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار می‌گیرند. در این راستا، تمامی کدهای ایجاد شده دوباره بازبینی شده و با متون مقایسه می‌شود تا مطلبی از قلم نیفتد. انتخاب تم‌های اصلی، فرایند یکپارچه سازی و تصفیه نظریه است (استروس و کوربین^۲، ۱۹۹۸). در انتها در مرحله‌ی انتخاب تم‌های اصلی با توجه به نتایج گام‌های قبلی کدگذاری، مقوله‌ی اصلی انتخاب شده و به شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها مرتبط شد، ارتباطات اعتبار بخشیده شده و مقوله‌هایی که نیاز به تصفیه و توسعه‌ی بیشتر داشتند، بهبود یافتند. لازم به ذکر است که گام‌های فوق در فرایندی رفت و برگشتی انجام شده‌اند. بنابراین گام‌های کدگذاری انتخابی به شکل واضحی از یکدیگر مجزا نیستند و از طریق یک فرایند تعاملی، همراه با کدگذاری اولیه و ثانویه انجام می‌شود. در این مرحله یک بار دیگر از تعدادی از خبرگان مشارکت کننده در این پژوهش خواسته شد که در مورد فرایند تدوین مدل و مدل نهایی نظرات خود را ارائه دهند که بیشتر آن‌ها مدل به دست آمده را تأیید کردند و بعضی از آن‌ها نظرات اصلاحی نیز داشتند که در فرایندی رفت و برگشتی اصلاحات اعمال شد و نظر نهایی خبرگان بر تأیید مدل نیز گرفته شد. برای بررسی علل و ریشه‌های تعارضات عینی و ذهنی منافع ایران و ترکیه در قفقاز و آسیای میانه با تاکید بر کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری در قالب تحلیل تم، به پالایش الگوی طراحی شده و پروراندن عوامل اصلی اقدام و مدل نهایی پژوهش به دست آمد.

^۱ Secondary Concept

^۲. Strauss & Corbin

جدول ۲. کدگذاری ثانویه و نهایی

ردیف	کد اولیه	کدگذاری ثانویه	تم اصلی
۱	رقابت برای نفوذ منطقه‌ای	رقابت بر سر حوزه نفوذ	رقابت ژئوپلیتیکی ساختاری
۲	تلاش برای تثبیت جایگاه ژئوپلیتیکی		
۳	افزایش فعال‌گرایی ترکیه پس از ۲۰۰۰		
۴	خلأ قدرت پسا شوروی	تغییر موازنه قدرت	
۵	تغییر موازنه پس از جنگ ۲۰۲۰		
۶	کاهش نقش سنتی روسیه		
۷	آموزش نظامی به آذربایجان	حضور نظامی ترکیه	تعارضات امنیتی
۸	همکاری دفاعی راهبردی		
۹	استقرار زیرساخت‌های امنیتی		
۱۰	افزایش قدرت پهپادی	بازدارندگی و تهدید	
۱۱	فشار امنیتی مرزی بر ایران		
۱۲	نگرانی از تغییر ژئوپلیتیک مرزی		
۱۳	کریدور میانی	کریدورهای جایگزین ایران	رقابت کریدوری و ترانزیتی
۱۴	کریدور زنگزور		
۱۵	مسیر باکو-تفلیس-قارص		
۱۶	مزیت جغرافیایی ایران	مزیت‌های ساختاری	
۱۷	مزیت لجستیکی ترکیه		
۱۸	توسعه سریع زیرساخت ترکیه		
۱۹	جذب سرمایه خارجی توسط ترکیه	رقابت اقتصادی منطقه‌ای	رقابت ژئواکونومیک
۲۰	کاهش سهم اقتصادی ایران		
۲۱	رقابت بر سر بازار آسیای میانه		
۲۲	تأثیر تحریم بر نقش ایران	تحریم و محدودیت	
۲۳	محدودیت تعامل بانکی		
۲۴	کاهش توان سرمایه‌گذاری ایران		
۲۵	دور زدن ایران در پروژه‌های انرژی	خطوط لوله	ژئوپلیتیک انرژی
۲۶	تبدیل ترکیه به هاب انرژی		
۲۷	امنیت خطوط لوله		

ردیف	کد اولیه	کد گذاری ثانویه	تم اصلی
۲۸	رقابت بر سر بازار اروپا	بازار انرژی	
۲۹	وابستگی انرژی آذربایجان به ترکیه		
۳۰	کاهش نقش صادراتی ایران		
۳۱	گفتمان جهان ترک	هویت ترک محور	تعارضات هویتی و فرهنگی
۳۲	تقویت پیوندهای قوم محور		
۳۳	بازتعریف هویت منطقه‌ای		
۳۴	تأکید ایران بر میراث تاریخی	رقابت روایت تاریخی	
۳۵	روایت تاریخی متفاوت ترکیه		
۳۶	رقابت بر سر نمادهای فرهنگی		
۳۷	شبکه‌های اجتماعی ترک محور	نفوذ رسانه‌ای	دیپلماسی عمومی و رسانه
۳۸	حضور رسانه‌ای فعال ترکیه		
۳۹	ضعف دیپلماسی عمومی ایران		
۴۰	بازنمایی ایران در افکار عمومی	تصویرسازی ذهنی	
۴۱	جهت‌دهی افکار عمومی منطقه		
۴۲	رقابت روایت‌های آینده‌محور		
۴۳	تقویت سازمان جهان ترک	سازمان کشورهای ترک	رقابت نهادی
۴۴	همگرایی نهادی ترک محور		
۴۵	نهادسازی منطقه‌ای ترکیه		
۴۶	کم‌حضور بودن ایران در نهادهای منطقه‌ای	ضعف نهادی ایران	
۴۷	فقدان ابتکار نهادی		
۴۸	انفعال در سازوکارهای منطقه‌ای		
۴۹	فقدان چارچوب امنیت جمعی	نبود ساختار امنیتی مشترک	معماری امنیت منطقه‌ای
۵۰	چندقطبی بودن ساختار منطقه		
۵۱	رقابت به جای همکاری		
۵۲	عقب‌نشینی نسبی روسیه	نقش روسیه	
۵۳	مدیریت بحران توسط مسکو		
۵۴	تأثیر جنگ اوکراین بر منطقه		
۵۵	تغییر مرزبندی‌های عملی	پیامدهای جنگ ۲۰۲۰	تغییرات پساجنگ قره‌باغ

ردیف	کد اولیه	کد گذاری ثانویه	تم اصلی
۵۶	افزایش اعتماد به نفس آذربایجان	تغییر موازنه منطقه‌ای	
۵۷	افزایش نقش ترکیه در پیروزی		
۵۸	کاهش نفوذ سنتی ایران		
۵۹	افزایش وابستگی باکو به آنکارا		
۶۰	بازتعریف نظم منطقه‌ای		
۶۱	تصور ایران از حوزه تمدنی	برداشت متفاوت از نقش منطقه‌ای	تعارضات ذهنی ادراکی
۶۲	تصور ترکیه از رهبری جهان ترک		
۶۳	اختلاف در تعریف عمق راهبردی		
۶۴	بی‌اعتمادی متقابل	سوء برداشت‌ها	
۶۵	بزرگ‌نمایی تهدید		
۶۶	رقابت در تصویر آینده منطقه		
۶۷	طراحی کریدورهای آینده‌محور	رقابت بر سر نظم آینده	آینده‌پژوهی ژئوپلیتیکی
۶۸	سناریوسازی ترکیه		
۶۹	فقدان آینده‌نگری ایران		
۷۰	تأثیر جنگ اوکراین	تغییر نظم جهانی	
۷۱	انتقال قدرت جهانی به شرق		
۷۲	بازتعریف مسیرهای انرژی		
۷۳	طرح کمربند راه	نقش چین	تعامل با بازیگران ثالث
۷۴	سرمایه‌گذاری زیرساختی چین		
۷۵	رقابت غیرمستقیم ایران و ترکیه در چین		
۷۶	نیاز انرژی اروپا	نقش اروپا	
۷۷	حمایت اروپا از کریدور میانی		
۷۸	سیاست تنوع‌بخشی انرژی اروپا		
۷۹	احتمال حذف از مسیرهای ترانزیتی	کاهش نفوذ	پیامدهای ژئوپلیتیکی برای ایران
۸۰	کاهش وزن ژئوپلیتیکی		
۸۱	تضعیف نقش تاریخی		
۸۲	افزایش حساسیت مرزی	فشار امنیتی	
۸۳	نگرانی از تغییر مرزها		

ردیف	کد اولیه	کد گذاری ثانویه	تم اصلی
۸۴	افزایش وابستگی همسایگان به ترکیه		
۸۵	رویکرد محافظه کارانه ایران		
۸۶	رویکرد تهاجمی ترکیه	سبک کنش	
۸۷	سرعت تصمیم گیری متفاوت		تفاوت رویکرد ایران و ترکیه
۸۸	استفاده ترکیه از ابزار ترکیبی	ابزارهای نفوذ	
۸۹	تمرکز ایران بر ابزار دیپلماتیک		
۹۰	شبکه سازی چندلایه ترکیه		
۹۱	قفقاز به عنوان حیات خلوت تاریخی		
۹۲	پیوندهای تاریخی-تمدنی	اهمیت قفقاز برای ایران	عمق راهبردی
۹۳	حساسیت ژئوپلیتیکی مرزی		
۹۴	رقابت صادراتی		
۹۵	جذب سرمایه منطقه ای	جذب بازار آسیای میانه	رقابت اقتصادی منطقه ای
۹۶	رقابت تجاری با آذربایجان		
۹۷	نزدیکی راهبردی به ترکیه		
۹۸	بهره برداری از رقابت ایران-ترکیه	سیاست موازنه گری باکو	نقش آذربایجان در تعارض
۹۹	استفاده ابزاری از هویت ترک محور		
۱۰۰	تقویت دیپلماسی فعال		
۱۰۱	توسعه زیرساخت ترانزیتی		
۱۰۲	ورود به پروژه های انرژی منطقه ای		
۱۰۳	تقویت دیپلماسی فرهنگی		
۱۰۴	افزایش حضور نهادی	اصلاح سیاست منطقه ای	راهبردهای پیشنهادی برای ایران
۱۰۵	به روز رسانی راهبرد امنیتی		
۱۰۶	تقویت دیپلماسی عمومی دیجیتال		
۱۰۷	برنامه ریزی آینده محور		
۱۰۸	توسعه همکاری های سه جانبه منطقه ای		
۱۰۹	تقویت دیپلماسی فعال		

پایایی مدل

به منظور سنجش پایایی مدل طراحی شده از شاخص کاپا^۱ استفاده شده است. بدین طریق که، شخص دیگری (از نخبگان این رشته) بدون اطلاع از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط محقق، اقدام به دسته بندی کدها در مفاهیم کرده است. سپس مفاهیم ارائه شده توسط محقق با مفاهیم ارائه شده توسط این فرد مقایسه شده است. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و مفاهیم ایجاد شده متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شده است.

جدول ۳. ضریب کاپا

Sig	Tb	خطای استاندارد	ارزش		
۰/۰۰۰	۴/۱۶۵	۰/۱۱۶	۰/۷۴۳	کاپا	معیار توافق
			۱۰		تعداد کد

جدول ۴. وضعیت شاخص کاپا

وضعیت توافق	مقدار عددی شاخص کاپا
ضعیف	کمتر از صفر
بی اهمیت	بین ۰ تا ۰/۲
متوسط	بین ۰/۲۱ تا ۰/۴
مناسب	بین ۰/۴۱ تا ۰/۶
معتبر	بین ۰/۶۱ تا ۰/۸
عالی	بین ۰/۸۱ تا ۱

همانطور که دیده می شود مقدار شاخص کاپا برابر با ۰/۷۴۳ محاسبه شد که با توجه به جدول ۴ در سطح توافق معتبر قرار گرفته است.

تکنیک دلفی فازی

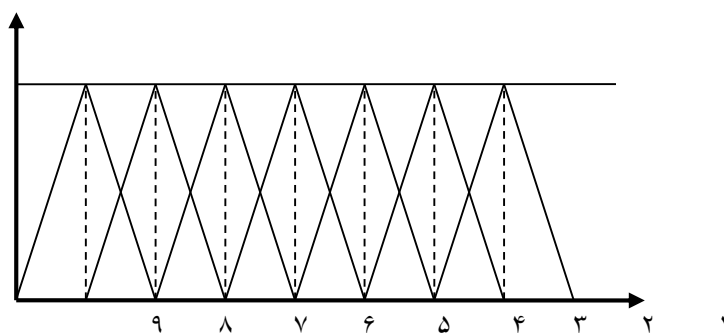
برای غربال شاخص ها و شناسایی شاخص های نهایی از رویکرد دلفی فازی استفاده شده است. دیدگاه خبرگان در زمینه میزان اهمیت شاخص ها گردآوری شده است.

برای تعیین اهمیت شاخص ها از دیدگاه خبرگان استفاده شده است. اگرچه افراد خبره از توانایی های ذهنی خود برای انجام مقایسات استفاده می نمایند، اما باید به این نکته توجه داشت که فرآیند سنتی کمی سازی دیدگاه افراد، امکان انعکاس سبک تفکر انسانی را بطور کامل ندارد. به عبارت بهتر، استفاده از مجموعه های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد و بنابراین بهتر است که با استفاده از مجموعه های فازی (بکارگیری اعداد فازی) به پیش بینی بلند مدت و تصمیم گیری در دنیای واقعی پرداخت (کارامن و دیگران، ۲۰۰۹). در این مطالعه نیز برای فازی سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است.

¹ kappa

جدول ۵. طیف نه درجه فازی برای ارزش گذاری شاخص‌ها

معادل قطعی	متغیر زبانی	مقیاس عدد فازی
۱	خیلی بی اهمیت	(۱،۱،۱)
۲	خیلی بی اهمیت تا بی اهمیت	(۱،۲،۳)
۳	بی اهمیت	(۲،۳،۴)
۴	بی اهمیت تا اهمیت متوسط	(۳،۴،۵)
۵	متوسط	(۴،۵،۶)
۶	متوسط تا با اهمیت	(۵،۶،۷)
۷	با اهمیت	(۶،۷،۸)
۸	با اهمیت تا خیلی با اهمیت	(۷،۸،۹)
۹	خیلی با اهمیت	(۸،۹،۹)



نمودار ۱. ارزش گذاری شاخص‌ها نسبت به هم با استفاده از اعداد فازی مثلثی

جدول ۶. فازی سازی دیدگاه پتل خبرگان برای هریک از شاخص‌ها

شاخص	خبره ۱	خبره ۲	خبره ۳	خبره ۴	خبره ۵	خبره ۶	خبره ۷	خبره ۸	خبره ۹	خبره ۱۰	خبره ۱۱	خبره ۱۲
C1	(۶, ۷, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۲, ۳, ۴)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۷, ۸, ۹)
C2	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C3	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)
C4	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۸, ۸)	(۷, ۸, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۹, ۹)
C5	(۸, ۹, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۶, ۷, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۱, ۱, ۱)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۷, ۸, ۹)
C6	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۱, ۱, ۱)	(۷, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C7	(۵, ۶, ۷)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۴, ۵, ۶)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C8	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۷, ۸, ۸)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C9	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۴, ۵, ۶)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C10	(۵, ۷, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۶, ۸, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۱, ۱, ۱)	(۷, ۸, ۹)	(۴, ۵, ۶)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C11	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)
C12	(۶, ۷, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۱, ۱, ۱)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C13	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۱, ۲, ۱)	(۵, ۶, ۷)	(۵, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C14	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۷)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C15	(۵, ۶, ۷)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۸, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۹, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C16	(۵, ۶, ۷)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۴, ۵, ۶)	(۷, ۸, ۹)	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C17	(۵, ۶, ۷)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۷)	(۵, ۷, ۸)	(۱, ۲, ۱)	(۵, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)
C18	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۸, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۷, ۸, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۴, ۵, ۶)	(۷, ۸, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)
C19	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۸, ۹, ۹)	(۸, ۹, ۹)	(۶, ۷, ۸)	(۱, ۲, ۱)	(۶, ۷, ۸)	(۶, ۷, ۸)	(۵, ۶, ۷)	(۷, ۸, ۹)	(۷, ۸, ۹)

همانگونه که مشخص شد فازی سازی دیدگاه خبرگان پیرامون هر شاخص در جدول ۶ نمایش داده شده است. در گام بعدی باید میانگین فازی میانگین‌های فازی نمرات افراد حساب شود. برای محاسبه میانگین نظرات n پاسخ‌دهنده، میانگین فازی بصورت زیر محاسبه شد:

هر عدد فازی مثلی برای هریک از شاخص‌ها به صورت زیرنمایش داده شده است:

رابطه ۱

$$\tau_j = (L_j, M_j, U_j)$$

$$L_j = \min(X_{ij})$$

$$M_j = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n X_{ij}}$$

$$U_j = \max(X_{ij})$$

اندیس i به فرد خبره اشاره دارد. به طوری که

τ_j : میانگین فازی معیار j ام

X_{ij} : مقدار ارزیابی خبره i ام از معیار j ام

L_j : حداقل مقدار ارزیابی ها برای معیار j ام

M_j : میانگین هندسی مقدار ارزیابی خبرگان از عملکرد معیار j ام

U_j : حداکثر مقدار ارزیابی ها برای معیار j ام

(چنگ و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۷۶۷-۷۵۶؛ وو و فانگ، ۲۰۱۱، ص ۷۵۱؛ سو و چن، ۲۰۱۱، ص ۲۹۰-۲۷۵).

در واقع این روش های تجمع، روش هایی تجربی هستند که توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده اند. برای نمونه یک روش مرسوم برای تجمع مجموعه ای از اعداد فازی مثلثی را کمینه l و میانگین m و بیشینه u در نظر گرفته اند. (سو^۱ و همکاران، ۲۰۱۰)

رابطه ۲:

$$F_{AGR} = \left(\min\{l\}, \left\{ \frac{\sum m}{n} \right\}, \max\{u\} \right)$$

در این مطالعه ما از روش میانگین فازی استفاده کرده ایم. میانگین فازی n عدد فازی مثلثی با رابطه محاسبه خواهد شد:

رابطه ۳:

$$\tilde{F}_{AVE} = (L, M, U) = \left(\frac{\sum l_i^k}{n}, \frac{\sum m_i^k}{n}, \frac{\sum u_i^k}{n} \right)$$

که در این رابطه عدد فازی مثلثی $\tilde{f}_i = (l_i^k, m_i^k, u_i^k)$ معادل فازی دیدگاه خبره k ام پیرامون معیار i ام است. میانگین فازی دیدگاه پنل خبرگان برای هریک از شاخص های تحقیق در جدول آمده است.

فازی زدایی مقادیر

برای فازی زدایی از روش مرکز سطح به صورت زیر استفاده می شود: (زنگ و تانگ^۲، ۱۹۹۳)

رابطه ۴:

$$DF_{ij} = \frac{[(u_{ij}-l_{ij})+(m_{ij}-l_{ij})]}{3} + l_{ij}$$

راند یک:

میانگین فازی و برون داد فازی زدائی شده مقادیر مربوط به شاخص ها در جدول ۷ آمده است. مقدار فازی زدائی شده بزرگتر از ۰/۷ مورد قبول است و هر شاخصی که امتیاز کمتر ۰/۷ داشته باشد رد می شود (وو و فانگ^۳، ۲۰۱۱).

1 Hsu et al

2 Tzeng & Teng

3- wu & Fang

جدول ۷. میانگین فازی و غربالگری فازی شاخص‌ها (راند یک)

R1	L	M	U	mean	Crisp	Result
۱C	۵۸.۶	۵۸.۷	۲۵.۸	(۸.۲۵, ۷.۵۸, ۶.۵۸)	۴۷.۷	پذیرش
۲C	۵۰.۶	۵۰.۷	۲۵.۸	(۸.۲۵, ۷.۵, ۶.۵)	۴۲.۷	پذیرش
۳C	۵۰.۶	۵۰.۷	۲۵.۸	(۸.۲۵, ۷.۵, ۶.۵)	۴۲.۷	پذیرش
۴C	۴۲.۶	۴۲.۷	۲۵.۸	(۸.۲۵, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۳۶.۷	پذیرش
۵C	۴۲.۶	۴۲.۷	۱۷.۸	(۸.۱۷, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۳۴.۷	پذیرش
۶C	۵۰.۶	۴۲.۷	۹۲.۷	(۷.۹۲, ۷.۴۲, ۶.۵)	۲۸.۷	پذیرش
۷C	۲۵.۶	۲۵.۷	۰۰.۸	(۸.۷, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۱۷.۷	پذیرش
۸C	۹۲.۶	۹۲.۷	۴۲.۸	(۸.۴۲, ۷.۹۲, ۶.۹۲)	۷۵.۷	پذیرش
۹C	۵۰.۶	۵۰.۷	۰۸.۸	(۸.۰۸, ۷.۵, ۶.۵)	۳۶.۷	پذیرش
۱۰C	۵۰.۶	۵۰.۷	۰۸.۸	(۸.۰۸, ۷.۵, ۶.۵)	۳۶.۷	پذیرش
۱۱C	۲۵.۶	۲۵.۷	۱۷.۸	(۸.۱۷, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۲۲.۷	پذیرش
۱۲C	۲۵.۶	۱۷.۷	۷۵.۷	(۷.۷۵, ۷.۱۷, ۶.۲۵)	۰۶.۷	پذیرش
۱۳C	۲۵.۶	۲۵.۷	۷۵.۷	(۷.۷۵, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۰۸.۷	پذیرش
۱۴C	۸۳.۶	۸۳.۷	۴۲.۸	(۸.۴۲, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۶۹.۷	پذیرش
۱۵C	۰۰.۷	۰۰.۸	۵۸.۸	(۸.۵۸, ۸.۷)	۸۶.۷	پذیرش
۱۶C	۴۲.۶	۴۲.۷	۱۷.۸	(۸.۱۷, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۳۴.۷	پذیرش
۱۷C	۲۵.۶	۲۵.۷	۹۲.۷	(۷.۹۲, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۱۴.۷	پذیرش
۱۸C	۵۰.۶	۵۰.۷	۴۲.۸	(۸.۴۲, ۷.۵, ۶.۵)	۴۷.۷	پذیرش
۱۹C	۲۵.۶	۲۵.۷	۹۲.۷	(۷.۹۲, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۱۴.۷	پذیرش

تمامی مواردی امتیازی بیشتر از ۷ کسب کرده‌اند و حذف نشدند.

راند دو

تحلیل دلفی فازی برای شاخص‌های باقی مانده در راند دوم ادامه پیدا کرد. نتایج حاصل از فازی‌زدایی عناصر در راند دوم در جدول ۸ گزارش شده است:

جدول ۸. میانگین فازی و غربالگری فازی شاخص‌ها (راند دو) فاصله مقدار قطعی راند نخست و راند دو

نتیجه	اختلاف	Result	Crisp	mean	U	M	L	R2
توافق	۰/۱	پذیرش	۵۷.۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۷۵.۸	۰۸.۸	۰۸.۷	۱C
توافق	-۰/۰۳	پذیرش	۳۹.۷	(۸.۳۳, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۳۳.۸	۴۲.۷	۴۲.۶	۲C
توافق	۰/۱۲	پذیرش	۵۴.۷	(۸.۵۸, ۷.۶۷, ۶.۶۷)	۵۸.۸	۶۷.۷	۶۷.۶	۳C
توافق	-۰/۰۴	پذیرش	۳۲.۷	(۸.۵, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۵۰.۸	۸۳.۷	۸۳.۶	۴C
توافق	۰/۰۴	پذیرش	۳۸.۷	(۸.۷۵, ۸.۲۵, ۷.۲۵)	۷۵.۸	۲۵.۸	۲۵.۷	۵C
توافق	-۰/۰۱	پذیرش	۲۷.۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۷۵.۸	۰۸.۸	۰۸.۷	۶C
توافق	۰/۰۷	پذیرش	۲۴.۷	(۸.۴۲, ۷.۷۵, ۶.۷۵)	۴۲.۸	۷۵.۷	۷۵.۶	۷C
توافق	-۰/۰۸	پذیرش	۶۷.۷	(۸.۵, ۷.۷۵, ۶.۷۵)	۵۰.۸	۷۵.۷	۷۵.۶	۸C
توافق	-۰/۰۸	پذیرش	۲۸.۷	(۸.۶۷, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۶۷.۸	۸۳.۷	۸۳.۶	۹C
توافق	۰/۰۵	پذیرش	۲۷.۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۷۵.۸	۰۸.۸	۰۸.۷	۱۰C
توافق	۰/۰۹	پذیرش	۱۵.۷	(۸.۵۸, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۵۸.۸	۸۳.۷	۸۳.۶	۱۱C
توافق	۰/۰۳	پذیرش	۱۱.۷	(۸.۸۳, ۸.۲۵, ۷.۲۵)	۸۳.۸	۲۵.۸	۲۵.۷	۱۲C
توافق	-۰/۱۴	پذیرش	۵۵.۷	(۸.۵, ۷.۵۸, ۶.۵۸)	۵۰.۸	۵۸.۷	۵۸.۶	۱۳C
توافق	-۰/۰۲	پذیرش	۸۴.۷	(۸.۵, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۵۰.۸	۸۳.۷	۸۳.۶	۱۴C
توافق	۰/۰۲	پذیرش	۳۶.۷	(۸.۵۸, ۸, ۷)	۵۸.۸	۰۰.۸	۰۰.۷	۱۵C
توافق	۰/۲	پذیرش	۳۴.۷	(۸.۱۷, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۱۷.۸	۴۲.۷	۴۲.۶	۱۶C
توافق	-۰/۰۳	پذیرش	۴۴.۷	(۷.۹۲, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۹۲.۷	۲۵.۷	۲۵.۶	۱۷C
توافق	۰/۱۳	پذیرش	۲۷.۷	(۸.۴۲, ۷.۵, ۶.۵)	۴۲.۸	۵۰.۷	۵۰.۶	۱۸C
توافق	-۰/۲	پذیرش	۱۴.۷	(۷.۹۲, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۹۲.۷	۲۵.۷	۲۵.۶	۱۹C

پایان راندهای تکنیک دلفی

در دور دوم هیچ شاخصی حذف نشد که این خود نشانه‌ای برای پایان راندهای دلفی است. بطور کلی یک رویکرد برای پایان دلفی آن است که میانگین امتیازات سوالات راند اول و راند دوم باهم مقایسه شوند. در صورتیکه اختلاف بین دو مرحله از حد آستانه خیلی کم (۰/۸) کوچکتر باشد در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود (چنگ و لین، ۲۰۰۲؛ لطیفی و همکاران، ۱۳۹۷).

بحث

در این بخش، نتایج حاصل از تحلیل کیفی داده‌های پژوهش بر اساس روش تحلیل تم مورد جمع‌بندی و تفسیر قرار می‌گیرد. هدف از انجام این تحلیل، شناسایی، طبقه‌بندی و تبیین مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر علل و ریشه‌های تعارضات عینی و ذهنی منافع ایران و ترکیه در قفقاز و آسیای میانه با تاکید بر کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکمنستان بوده است. داده‌های کیفی پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان گردآوری و پس از پیاده‌سازی، بازخوانی مکرر، استخراج جملات معنادار و کدگذاری، در قالب کدهای اولیه، کدهای ثانویه و تم‌های اصلی سازمان‌دهی شد.

نتایج تحلیل نشان داد که تعارضات منافع ایران و ترکیه در حوزه قفقاز و آسیای میانه، ماهیتی چندبعدی، درهم‌تنیده و ساختاری دارد و نمی‌توان آن را صرفاً به یک عامل سیاسی، امنیتی یا اقتصادی تقلیل داد. یافته‌ها حاکی از آن است که این تعارضات از ترکیب هم‌زمان عوامل ژئوپلیتیکی، امنیتی، هویتی، اقتصادی، نهادی، رسانه‌ای، ترانزیتی و آینده‌نگرانه شکل گرفته‌اند. به همین دلیل، مدل نهایی پژوهش نیز مجموعه‌ای از تم‌های اصلی را دربرمی‌گیرد که هر یک بخشی از واقعیت پیچیده رقابت ایران و ترکیه در منطقه را تبیین می‌کنند.

در مرحله نخست، پس از بررسی دقیق متن مصاحبه‌ها، تعداد ۱۰۹ کد اولیه از داده‌های کیفی استخراج شد. این کدها بیانگر مفاهیم خرد و مستقیم موجود در مصاحبه‌ها بودند؛ مفاهیمی مانند رقابت برای نفوذ ژئوپلیتیکی، تغییر موازنه قوا پس از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، توسعه کریدورهای ترانزیتی، ضعف دیپلماسی عمومی ایران، گسترش نفوذ ترکیه در قفقاز، نقش سازمان کشورهای ترک، تأثیر جنگ اوکراین، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و ضرورت بازطراحی سیاست منطقه‌ای کشور.

در مرحله دوم، کدهای اولیه بر اساس شباهت مفهومی، هم‌پوشانی محتوایی و ارتباط تحلیلی با یکدیگر در قالب کدهای ثانویه دسته‌بندی شدند. این مرحله موجب شد مفاهیم پراکنده در یک ساختار منسجم‌تر قرار گیرند و امکان شناسایی الگوهای اصلی در داده‌ها فراهم شود. در نهایت، از طریق بازبینی رفت و برگشتی داده‌ها و ارزیابی نظر خبرگان، کدهای ثانویه در قالب تم‌های اصلی سازمان‌دهی شدند. این تم‌ها نشان‌دهنده ابعاد بنیادین تعارضات منافع ایران و ترکیه در منطقه مورد مطالعه هستند. بر اساس نتایج کدگذاری ثانویه و نهایی، تم‌های اصلی استخراج شده عبارت‌اند از:

رقابت ژئوپلیتیکی ساختاری، تعارضات امنیتی، رقابت کریدوری و ترانزیتی، رقابت ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک انرژی، تعارضات هویتی و فرهنگی، دیپلماسی عمومی و رسانه، رقابت نهادی، معماری امنیت منطقه‌ای، تغییرات پساجنگ قره‌باغ، تعارضات ذهنی و ادراکی، آینده‌پژوهی ژئوپلیتیکی، تعامل با بازیگران ثالث، پیامدهای ژئوپلیتیکی برای ایران، تفاوت رویکرد ایران و ترکیه، عمق راهبردی، رقابت اقتصادی منطقه‌ای، نقش آذربایجان در تعارض و راهبردهای پیشنهادی برای ایران.

این تم‌ها در مجموع چارچوب تحلیلی پژوهش را شکل داده و نشان می‌دهند که تعارضات مورد مطالعه، محصول کنش متقابل عوامل داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستند.

به طور کلی، نتایج نشان داد که تعارضات عینی و ذهنی منافع ایران و ترکیه در قفقاز و آسیای میانه با تاکید بر کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکمنستان، پدیده‌ای چندسطحی است که از ترکیب عوامل مختلف شکل می‌گیرد. در سطح ژئوپلیتیکی، رقابت بر سر نفوذ منطقه‌ای، موازنه قدرت و جایگاه راهبردی کشورها اهمیت دارد. در سطح امنیتی، تحولات پساجنگ قره‌باغ، ترتیبات امنیتی جدید و نگرانی نسبت به تغییر موازنه منطقه‌ای نقش‌آفرین هستند. در سطح اقتصادی و ژئواکونومیک، مسیرهای ترانزیتی، کریدورها، بازارها، سرمایه‌گذاری‌ها و خطوط انرژی اهمیت پیدا می‌کنند. در سطح هویتی و رسانه‌ای نیز روایت‌سازی، افکار عمومی، دیپلماسی فرهنگی و

تصویر ذهنی کشورها از یکدیگر بر شدت یا کاهش تعارضات اثرگذارند. همچنین نتایج نشان داد که جمهوری آذربایجان در این معادله، صرفاً یک بازیگر پیرامونی نیست، بلکه در بسیاری از تحولات منطقه‌ای نقش فعال دارد و به‌عنوان یکی از نقاط تمرکز رقابت و تعامل میان ایران و ترکیه عمل می‌کند. بنابراین، تحلیل تعارضات ایران و ترکیه بدون توجه به جایگاه جمهوری آذربایجان، تحولات پساجنگ قره‌باغ، نقش بازیگران ثالث و رقابت کریدوری، کامل نخواهد بود. بر این اساس، می‌توان گفت که مدیریت این تعارضات نیازمند رویکردی جامع، چندبعدی و آینده‌نگر است؛ رویکردی که همزمان به ابعاد امنیتی، اقتصادی، نهادی، رسانه‌ای، فرهنگی و ترانزیتی توجه داشته باشد.

با توجه به اهمیت بالای مؤلفه رقابت نهادی در نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و نهادهای مسئول، حضور فعال‌تر و هدفمندتری در سازوکارهای منطقه‌ای داشته باشند. این حضور می‌تواند شامل مشارکت در سازمان‌ها، مجامع، توافق‌نامه‌ها و ابتکارات چندجانبه در حوزه قفقاز و آسیای میانه باشد. در این زمینه، لازم است ایران از رویکرد واکنشی فاصله گرفته و به سمت نهادسازی فعال، ابتکار دیپلماتیک و طراحی چارچوب‌های همکاری منطقه‌ای حرکت کند. حضور مؤثر در نهادهای منطقه‌ای می‌تواند مانع کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران شده و امکان تأثیرگذاری بر ترتیبات آینده منطقه را افزایش دهد. با توجه به معناداری مؤلفه رقابت کریدوری و ترانزیتی، پیشنهاد می‌شود ظرفیت‌های ترانزیتی ایران به شکل جدی‌تر فعال شود. ایران از نظر جغرافیایی دارای موقعیت اتصال‌دهنده میان شرق، غرب، شمال و جنوب است، اما استفاده مؤثر از این ظرفیت نیازمند برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و نوسازی زیرساخت‌هاست. در این زمینه، پیشنهاد می‌شود: زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای مرتبط با مسیرهای منطقه‌ای تقویت شوند؛ پیوند میان بنادر، راه‌آهن و پایانه‌های مرزی افزایش یابد؛ دیپلماسی حمل‌ونقل و ترانزیت فعال‌تر شود؛ مسیرهای مکمل و جایگزین برای افزایش نقش ترانزیتی ایران طراحی گردد؛ هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی، حمل‌ونقلی و دیپلماتیک افزایش یابد.

منابع

- بصیری، محمدعلی؛ خوانساری فرد، فهیمه. (۱۳۹۵). تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۲، شماره ۳۵، ص ۷۹-۱۰۴.
- پوراحمدی کییدی، حسین؛ پدین، محمد. (۱۳۹۹). عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶. فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۳، ص ۱۱۵-۱۴۴.
- زرقانی، سید هادی؛ احمدی، راحله؛ موسوی، سید زهرا. (۱۳۹۸). مقایسه تطبیقی فعالیت‌های اقتصادی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی. فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، سال ۲، شماره ۶، ص ۶۹-۹۲.
- سلطانی نژاد، احمد؛ سلامت آذر، رحیم؛ اصولی، قاسم. (۱۳۹۵). تکوین بخشی واگرایانه ترکیه در روابط ایران و جمهوری آذربایجان، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۲۸۹-۳۰۸.
- شمس دولت‌آبادی، محمود رضا؛ شریفی، شهاب. (۱۴۰۰). تدوین راهبردهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی با تأکید بر علائق ژئوپلیتیک، سال ۱۹، شماره ۸۵، ص ۲۲۳-۲۴۶.
- میرفخرایی، سید حسن؛ فیروزمندی بندپی، مجید. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۱، ص ۲۱۹-۲۳۴.
- نوریان، زینب؛ گودرزی مهناز (۱۴۰۰) مطالعه تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در جمهوری آذربایجان فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز سال بیست و هفتم، شماره ۱۱۶، زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۶۴ - ۱۳۹
- ولی الهی رودباری، معصومه. (۱۳۹۸). دیپلماسی اقتصادی و منافع جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.
- یزدانی، عنایت اله؛ خیری، مصطفی. (۱۳۹۶). رویکرد سیاست خارجی ترکیه در منطقه قفقاز با تأکید بر جمهوری آذربایجان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۸، ص ۱۲۸-۱۵۲.
- ÇGÇEK, Oğuzhan (2019). “Turkish Foreign Policy in Post Cold War Era”, Lecture Notes, Ankara Hacı Bayram Veli Üniversitesi ĞGBF Uluslararası İlişkiler Bölümü, Ankara, ss.1-6.
- Hamzaoglu, H. (2022). TURKEY-UZBEKISTAN RELATIONS: STRATEGIC COOPERATION AND PARTNERSHIP TÜRKİYE-ÖZBEKİSTAN İLİŞKİLERİ: STRATEJİK İŞ BİRLİĞİ VE ORTAKLIK. International Journal of Social Sciences, 6(2), 313-329.
- Sharifzoda, K. (2019). To Russia or Turkey? A Central Asian Migrant Worker’s Big Choice. The Diplomat, 2.